

## بررسی تأثیر مشاوره گروهی به روش عقلانی - هیجانی بر منبع کنترل و خلاقیت دانشجویان

الهام درستیان<sup>۱</sup>

پرویز میرزاکحانی<sup>۲</sup>

### چکیده

زمینه: منبع کنترل و خلاقیت افراد، نقشی کلیدی را در موفقیت‌های آنان ایفا می‌کند. هدف: پژوهش نیمه آزمایشی حاضر، به بررسی تأثیر مشاوره گروهی دانشجویان به شیوه عقلانی - هیجانی بر خلاقیت و منبع کنترل می‌پردازد.

روش: در انتخاب جامعه آماری، دانشجویان رشته شیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال در نظر گرفته شدند. سپس ۳۰ نفر از این دانشجویان، به صورت تصادفی انتخاب و پس از افت نمونه، ۲۰ نفر باقی مانده به ۲ گروه (یک گروه آزمایش و یک گروه گواه) تقسیم شدند. پرسش‌نامه‌های سنجش خلاقیت کری و منبع کنترل راتر، به عنوان پیش‌آزمون از دانشجویانی که در تحقیق شرکت داشتند، گرفته شد. سپس بر روی گروه آزمایش، مشاوره به روش عقلانی - هیجانی، به مدت ۱۰ جلسه صورت گرفت. در نهایت، کلیه دانشجویان دو گروه، پس از آزمون‌های خلاقیت کری و منبع کنترل راتر را انجام دادند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل واریانس آمیخته نشان داد که در سطح معناداری  $p < 0/05$ ، مشاوره گروهی دانشجویان به روش عقلانی - هیجانی بر منبع کنترل و خلاقیت دانشجویان مؤثر بوده است.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر (نویسنده مسئول)

elham\_382@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

parviz\_mirzakhani@yahoo.com

بحث و نتیجه گیری: به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که مشاوره گروهی دانشجویان به روش عقلانی - هیجانی بر افزایش خلاقیت و منبع کنترل درونی مؤثر است.

**کلید واژه (گان):** رویکرد عقلانی - هیجانی، مشاوره گروهی، خلاقیت، منبع کنترل.

## مقدمه

امروزه، همه اندیشمندان و محققان معتقدند که اساس قدرت انسان ناشی از خلاقیت اوست. پس می‌توان گفت که تاریخ تمدن ثبت توانایی‌های خلاق بشر است. امروزه، همه جوامع بشری به خلاقیت نیاز مبرم دارند. خلاقیت، رمز اصلی و اساس پیشرفت و مانع وابستگی یک جامعه پویا است. موهبت خلاقیت، گذرگاه با نشاط به سوی آینده‌ای درخشان می‌باشد و اساس آسایش و رفاه بیشتر انسان در زندگی فردی و اجتماعی حال و آینده است (حسینی، ۱۳۷۸).

خلاقیت، به وسیله صاحب نظران مختلف به اشکال گوناگونی تعریف شده است که بسیاری از موارد متشابه‌اند و برخی موارد متفاوت هستند. در واقع می‌توان گفت هنوز اتفاق نظری جامع و مانع در تعریف این مفهوم وجود ندارد. این تعاریف، بسته به محوریت ویژگی مورد نظر صاحب نظران، شخص خلاق، فرایند، محصول و ...، به اشکال مختلف تعریف شده است.

خلاقیت، تولید ایده یا محصولی نو و مبتکرانه است که در برهه‌ای از زمان، برای خالق یا برای شخص دیگری رضایت بخش باشد. بنابراین حتی اگر این ایده یا محصول را قبلاً شخص دیگری کشف کرده باشد و یا آن را نو و مبتکرانه محسوب نکنند، باز خلاقیت وجود دارد (Renzulli, 1986). تفکر خلاق عبارت است از فرایند درک مشکلات، مسائل، کمبود اطلاعات و عوامل جا افتاده، حدس زدن و فرضیه ساختن در مورد کمبودها، ارزیابی و آزمون فرضیه‌ها و حدس‌ها و اصلاح و ارزیابی مجدد آنها و بالاخره ارائه نتایج (Torrance and Goff, 1989). خلاقیت عبارت است از تولید ایده‌های جدید و مفید در همه زمینه‌ها (Amabile, 1996). خلاقیت همان تفکر واگرا است (Guliford, 1954). تفکر واگرا مترادف با تفکر خلاق است اما تفکر واگرا، درباره فرایندهای شناختی که ممکن است به راه حل‌ها و

ایده‌های بدیع منتهی شوند، موارد را بیان می‌کند. بنابراین، جای تعجب ندارد که آزمون‌های تفکر واگرا به طور شایع برای برآورد پتانسیل فکر خلاقانه مورد استفاده واقع شوند (Runco, 2007). آیزنک عنوان می‌کند که خلاقیت بستگی به سه متغیر دارد که هر کدام به عوامل متعددی تقسیم می‌شوند. این متغیرها عبارت‌اند از: شناخت، محیط و شخصیت. عوامل تشکیل دهنده شناخت، شامل هوش و مهارت‌ها هستند. متغیرهای محیطی، شامل عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی و تحصیلات می‌باشد. این در حالی است که صفات شخصی، مانند اعتماد به نفس، ابتکار و انگیزه نیز روی خلاقیت تأثیر دارد (Naude, 2005). درباره حل مسأله نیز دیدگاه‌هایی وجود دارد. برای مثال، مورگان<sup>۱</sup> و همکاران (1984) مسأله را عبارت از تعارض بین یک موقعیت موجود و موقعیت دیگری که می‌خواهیم ایجاد کنیم، می‌دانند. وقتی که شخص با موقعیت یا تکلیفی رو به رو می‌شود که نمی‌تواند از طریق کاربرد اطلاعات و مهارت‌هایی که در آن لحظه در اختیار دارد به آن موقعیت یا تکلیف پاسخ دهد، گفته می‌شود او با مسأله‌ای رو به رو شده است (سیف، ۱۳۸۶). طبق نظر تورنس، خلاقیت عبارت است از حساسیت به مسائل، کمبودها، مشکلات و خلأهای موجود در دانش، حدس زدن و تشکیل فرضیه‌هایی درباره این کمبودها، ارزشیابی و آزمایش این حدس‌ها و فرضیه‌ها و احتمالاً اصلاح و آزمون مجدد آنها و در نهایت، نتیجه‌گیری. وی خلاقیت را مرکب از چهار عامل اصلی می‌داند: سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط (حسینی، ۱۳۷۸). تفکر و عملکرد خلاق، نسبت به ایده‌ها و تجارب قبلی بشری، نو شمرده می‌شود، عامل تغییر و تحول است و الزاماً می‌باید به حال انسان و جامعه نیز مفید باشد؛ مانند ایده‌های جدید، ابتکارات، اختراعات و اکتشافات. معنای خلاقیت عبارت است از توانایی یا قدرت ذهنی یا بدنی برای ساختن یا بازسازی واقعیت به نحوی منحصر به فرد (دافی<sup>۲</sup>، ترجمه یاسایی، ۱۳۸۰). تحقیقات تورنس نشان داده است که خلاقیت، در تمام فعالیت‌های فردی و گروهی مشاهده شده و با شدت و ضعف بالقوه قابل

1. Morgan  
2. Duffy

پرورش، در همه انسان‌ها وجود دارد. همه افراد ذاتاً واجد توانایی تفکر و عملکرد خلاقانه هستند، لکن به واسطه شرایط محیطی، به جای آن که راه‌های بروز آن را یاد بگیرند، چگونگی سرکوب آن را فرا می‌گیرند؛ یعنی می‌آموزند که چگونه خلاق نباشند (همتی، ۱۳۷۸).

مفهوم منبع کنترل، در بطن نظریه‌های یادگیری اجتماعی شکل گرفته است. منبع کنترل، یک ویژگی شخصیتی و مجموعه‌ای از انتظارات است که به وسیله عوامل موقعیتی بر افراد تأثیر می‌گذارد و افراد، نتایج عملکرد خود را تحت تأثیر تلاش‌های خود یا تحت تأثیر نیروهای بیرونی فراتر از کنترل خود می‌دانند. بر این اساس، افراد موفقیت‌ها و شکست‌های خود را یا به عوامل شخصی و یا به عوامل محیطی نسبت می‌دهند. از این رو، دو مفهوم منبع کنترل درونی و بیرونی مطرح می‌شوند (Stewart, 2008). به عبارت دیگر، می‌توان گفت که منظور از منبع درونی، کنترل این است که شخص رویداد خاصی را ناشی از رفتار یا ویژگی‌های نسبتاً پایدار خود می‌داند. از سوی دیگر، منبع کنترل بیرونی به این معنی است که شخص، نوعی تقویت مثبت یا منفی را که به دنبال رفتار خاصی آمده است، معلول رفتار خود نمی‌داند بلکه آن را نتیجه تصادف و اتفاق تلقی می‌کند یا آن را به نفوذ افراد قدرتمند نسبت می‌دهد و با پیش کشیدن عوامل محیطی، امکان پیش بینی آن را نفی می‌کند (Schepers and Crous, 2006).

ساختار کنترل درونی، شامل دو موضوع شناختی و رفتاری و ساختار کنترل بیرونی نیز شامل سه مؤلفه شرایط حال و گذشته، اقتدار دیگران و عدم انتخاب می‌باشد (Wilkena et al., 2002).

کنترل درونی قوی، به عنوان سطوح بالایی از رفتار خودگردان، جهت‌گیری‌ای است که با تجربیات مکرر همراه می‌باشد. منبع کنترل بیرونی با متغیر پایداری و منبع کنترل درونی با متغیرهایی که دارای اثرات متوسطی هستند، پایه‌ای قوی برای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به وجود می‌آورند (Russell & Phelps, 2009). افراد دارای منبع کنترل درونی، از سلامت روانی و جسمانی بالاتری برخوردارند و بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای فعال استفاده می‌کنند. این افراد، پیش از گرفتن تصمیم، فعالانه در پی کسب اطلاعات بیشتر برمی‌آیند، در جهت کسب موفقیت

و تأمین هدف، انگیزه بیشتری دارند و در جهت کنترل محیط خود بیشتر تلاش می کنند (Derks et al., 2005).

بین تفکر خلاق افرادی که کنترل درونی دارند و افرادی که کنترل بیرونی دارند، تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد؛ بدین صورت که بین منبع کنترل درونی و تفکر خلاق، رابطه معناداری وجود دارد (Pannells & Claxton, 2008). افراد خلاق و افراد دارای منبع کنترل درونی، ویژگی‌های شخصیتی مشابه متعددی دارند. برای مثال، آنها در تفکر خود مستقل‌ترند ولی در عین حال، از پیشنهادها و اطلاعات دیگران نیز استقبال می کنند، به لحاظ منبع درونی خودشان را حاکم بر زندگی خویش می دانند و معتقدند شانس و سرنوشت، بر زندگی آنها تأثیری ندارد. این افراد، مستعد آنند که ناهماهنگ، غیر معمول و تک رو باشند، کمتر تحت تأثیر زمینه‌های محیطی قرار می گیرند، بیشتر به قضاوت‌های شخصی خودشان متکی هستند و در وضعیت ناکامی از شرایط ناخوشایند، سطح تحمل بالاتری دارند (عظیمی، ۱۳۸۲). رفتار خلاق از روی اعتقاد درونی یا کنترل شخصی بر پیامدهای رفتاری قابل پیش بینی است. افراد با منبع کنترل درونی، در مقایسه با افراد با منبع کنترل بیرونی، از ارزشیابی بیرونی کمتر تأثیر می پذیرند و منبع کنترل درونی با خلاقیت کلی هم‌خوانی دارد. افراد دارای منبع کنترل درونی بیشتر برای ابتکار در اندیشه و عمل تلاش می کنند (Wang & Bowling & Eschleman, 2010). مطالعه دیگری به بررسی رابطه خلاقیت و نگرش به خلاقیت خود با منبع کنترل، در دانش آموزان سال اول دبیرستان شهر اراک پرداخته است. جامعه آماری این مطالعه شامل کلیه دانش آموزان سال اول دبیرستان شهر اراک بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی، نمونه ۳۷۵ نفری انتخاب شد. ابزارهای پژوهش، آزمون‌های خلاقیت غیرکلامی تورنس (خرده آزمون دایره‌ها)، خلاقیت عابدی و منبع کنترل لونسون بودند. نتایج این پژوهش گویای این بود که دانش آموزان دارای منبع کنترل درونی، خلاقیت و نگرش به خلاقیت خود بالاتری دارند (رشیدی، ۱۳۸۵). پژوهشی دیگر، به منظور بررسی ارتباط بین منبع کنترل و میزان خلاقیت در دانشجویان فنی- مهندسی، با انتخاب دانشگاه صنعتی شریف به عنوان نماینده‌ای از

دانشگاه‌های صنعتی کشور و با انتخاب تصادفی ۵ دانشکده (صنایع، الکترونیک، کامپیوتر، مکانیک و متالورژی) از ۱۲ دانشکده موجود در دانشگاه و با گزینش تصادفی ۶۵ نفر از دانشجویان سال دوم و سوم از هر دانشکده انجام پذیرفت. نتایج بررسی نشان داد که بین منبع کنترل درونی و خلاقیت، رابطه مثبت وجود دارد (بوستان، ۱۳۸۲). مطالعه‌ای دیگر به بررسی رابطه خودپنداره و منبع کنترل با خلاقیت در دانش‌آموزان پسر دوره تحصیلی راهنمایی مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۵ پرداخته است. آزمودنی‌ها شامل ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی از ۵ منطقه شهر تهران بودند. در این مطالعه، «خلاقیت کلی» به عنوان متغیر ملاک و خودپنداره و منبع کنترل، به عنوان متغیرهای پیش‌بین در نظر گرفته شدند. آزمون تفکر خلاق تورنس روی کل آزمودنی‌ها اجرا شد و سپس مقیاس‌های خودپنداره پیرز - هریس و مقیاس منبع کنترل درونی - بیرونی نویکی - استریلکند انجام شد. تحلیل واریانس - دو عاملی نشان داد که رابطه خود پنداره و منبع کنترل با خلاقیت، معنادار است (گوهری، ۱۳۷۵).

افراد دارای کنترل بیرونی، دارای باورهای غیر منطقی بیشتری هستند. چنین باورهایی می‌تواند رفتارها و جنبه‌های مختلف زندگی این افراد را تحت تأثیر قرار دهد (Stanke & Taylor, 2004). انسان موجودی است عقلانی و در عین حال، غیرعقلانی. تفکر غیرمنطقی انسان، از یادگیری‌های غیر منطقی اولیه‌اش ریشه می‌گیرد؛ زیرا از لحاظ بیولوژیکی آمادگی پذیرش آن را دارد و این طرز تفکر، به طور خاص از پدر و مادر، مربیان و جامعه به او منتقل می‌شود (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۰). عقاید غیر منطقی، توقعات خشک و تعصب‌آمیزی هستند که معمولاً با کلمات «باید» و «حتماً» بیان می‌شوند و الزام آورند. فلسفه‌های خود آشفته‌ساز که معمولاً حاصل این توقعات هستند، انتساب‌های بسیار نامعقول و بیش از حد تعمیم یافته ایجاد می‌کنند (پروچاسکا و نورکراس<sup>۱</sup>، نقل از سید محمدی، ۱۳۸۹). یک فکر غیرمنطقی، با واقعیت مطابقت ندارد و بر اساس ظن و گمان است. این گونه تفکرات ممکن است به علت اطلاعات

1. Prochaska & Norcross

غلط به وجود آمده باشند یا اطلاعات اولیه درست بوده ولی نتیجه‌گیری غلط باشد و یا این که هم فرض و هم نتیجه‌گیری اشتباه باشد؛ بالاخره باور غیرمنطقی، منجر به حالت‌های آشفته و هیجانات نامناسب می‌شود که رفتارهای سازنده و خودیاری را به حداقل می‌رسانند و فرد را از رسیدن به اهدافش باز می‌دارند (مهری‌نژاد، ۱۳۷۹). در یک تقسیم‌بندی کلی، درایدن<sup>۱</sup> (1990) عقاید نامعقول را به سه دسته تقسیم می‌کند: توقع از خود، توقع از دیگران و توقع از دنیا و زندگی (شارف<sup>۲</sup>، نقل از فیروزبخت، ۱۳۸۱). رویکرد عقلانی-هیجانی، برای مبارزه با افکار غیرمنطقی، ابتدا به فرد کمک می‌کند تا باورهای مشکل‌زای خود را شناسایی کند (کلارک و بک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). در رویکرد عقلانی-هیجانی، فرض بر این است که روان‌درمانی موفق می‌تواند به بازسازی و یا تغییر شناخت و تفکر مراجع منجر شود (زارب<sup>۴</sup>، ترجمه خدایاری فرد و عابدینی، ۱۳۸۶). در مشاوره با رویکرد عقلانی-هیجانی، ابتدا فرد یاد می‌گیرد که فرضیات نامعقول را در موقعیت‌های مختلف شناسایی کند. وقتی که فردی الگوهای تفکر غیرعقلانه‌اش را درک کند، می‌تواند از این اطلاعات برای تعدیل رفتارش در راستای سازگاری با موقعیت‌ها و حوادث زندگی که می‌توانند برایش مشکل‌ساز باشند، استفاده نماید (Clark & Beck, 2010). مشاوره عقلانی-هیجانی، اساساً به عنوان یک الگوی آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نتیجه، همانند بیشتر آموزش‌ها، در جلسات گروهی و فردی، هر دو، قابل اجراست. علاوه بر آن، هر چند بیشتر در گروه‌های کوچک ۸ تا ۱۳ نفری و هفته‌ای یک بار انجام شود، ولی در گروه‌های بزرگ، مانند یک کلاس درس (۲۰ تا ۳۰ نفر) یا یک کارگاه عمومی (بیش از ۱۰۰ نفر) هم کاملاً قابل اجرا خواهد بود. این مشاوره به اعضای گروه کمک می‌کند تا افکار منفی خود را شناسایی کنند و آنها را مورد چالش قرار دهند. این مهارت هسته اصلی

- 
1. Driden
  2. Sharf
  3. Clark & Beck
  4. Zarb

رویکرد عقلانی-هیجانی است. این رویکرد، عمدتاً بر خودیاری استوار است (Sookman & Leahy, 2010).

مطالعه‌ای به منظور بررسی اثر مشاوره گروهی مبتنی بر رویکرد منطقی-عاطفی الیس بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان انجام شده است. ۶۰ دانشجو با سابقه افت تحصیلی انتخاب شدند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند و با مقیاس منبع کنترل راتر ارزیابی شدند. در گروه آزمایش، جلسه دو ساعته مشاوره گروهی منطقی-عاطفی اجرا شد، در حالی که گروه گواه از این مشاوره محروم ماند. یافته‌های مطالعه با آزمون «تی» مقایسه شدند. نتایج نشان دادند که مشاوره عقلانی-عاطفی کمک می‌کند تا افراد به افکار منطقی تمایل پیدا کرده و از طریق آشنایی با توانمندی‌هایشان، به پیشرفت تحصیلی خود کمک کنند (کرمی نیا، سلیمی و امیری، ۱۳۸۴). پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش شناختی بر منبع کنترل، انگیزش پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان شاهد مقطع متوسطه در شاهین شهر پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش، دانش آموزان دختر و پسر شاغل به تحصیل در مقطع متوسطه مدارس شاهین شهر (در شهریور ماه سال ۱۳۸۰) بوده‌اند که از جامعه مذکور، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌ای به حجم ۱۰۰ نفر، متشکل از ۵۰ پسر و ۵۰ دختر، انتخاب شدند.

ابزار تحقیق، شامل سه پرسش‌نامه دموگرافیک، منبع کنترل راتر و انگیزش پیشرفت هرمنس و یک برنامه آموزش شناختی بود. یک دوره آموزش شناختی، شامل ۹ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای، به صورت هفتگی بر روی آزمودنی‌های گروه‌های آزمایشی اجرا شد. بعد از اتمام دوره، همه آزمودنی‌ها، اعم از گروه‌های گواه و آزمایشی، در پس آزمون پرسش‌نامه‌های منبع کنترل و انگیزش پیشرفت شرکت نمودند.

نتایج بیانگر این بود که آموزش شناختی بر منبع کنترل آزمودنی‌های گروه آزمایشی، در مقایسه با گروه گواه، تأثیر معناداری داشته است (طالب‌پور، ۱۳۸۰). همچنین پژوهشی آزمایشی با هدف بررسی تأثیر آموزش تفکر انتقادی بر منبع کنترل و کاهش برانگیختگی شناختی



دانش آموزان پسر سال دوم دبیرستان‌های شهرستان بانه انجام گرفت. نمونه پژوهش عبارت بود از ۴۰ دانش آموز پسر سال دوم دبیرستان‌های شهرستان بانه که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، از مقیاس استاندارد شده راتر و پرسش‌نامه برانگیختگی-کاهش ناهماهنگی هارمون- جونز استفاده گردید. نتایج نشان دادند که بین منبع کنترل دانش آموزان تحت آموزش تفکر انتقادی و دانش آموزانی که این آموزش را ندیده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد (صفاری‌نیا، زارع و حسنی، ۱۳۹۱). پژوهشی نیمه آزمایشی نیز با هدف بررسی اثر بخشی آموزش و تقویت مهارت‌های مثبت‌اندیشی به شیوه گروهی بر منبع کنترل دانش آموزان دبیرستان‌های شهرستان گرگان انجام شد. در این تحقیق، از بین جامعه آماری پژوهش که دانش آموزان دبیرستان‌های شهرستان گرگان در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ بودند، نمونه‌ای شامل ۴۰ نفر از دانش آموزان پایه دوم به شیوه تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. قبل از انجام مداخله آموزشی (ارائه متغیر مستقل)، دو گروه با استفاده از پرسش‌نامه‌های منبع کنترل راتر و شادکامی آکسفورد (مثبت‌اندیشی) پیش‌آزمون شدند. سپس آزمودنی‌ها، بر اساس نمرات اکتسابی در آزمون راتر، به دو گروه منبع کنترل درونی و بیرونی تقسیم شدند. آزمودنی‌ها به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند (۲۰ نفر با منبع کنترل بیرونی و ۲۰ نفر درونی). در مرحله بعد، به گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه یک ساعته مهارت‌های مثبت‌اندیشی آموزش داده شد. یک هفته پس از انجام مداخله، دوباره هر دو گروه پس‌آزمون شدند. تحلیل نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی، در درونی‌سازی منبع کنترل دانش‌آموزان دبیرستانی مؤثر است (سهرابی و جهانبخش، ۱۳۸۸). پژوهش دیگری به بررسی تأثیر واقعیت‌درمانی گروهی بر تغییر منبع کنترل و راهبردهای مقابله‌ای دانشجویان دختر پرداخته است. بدین منظور، طی یک مطالعه نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و انتساب تصادفی از بین دانشجویان مراجعه‌کننده به کلینیک دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۰ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. گروه آزمایشی به مدت ۸ جلسه، تحت

آموزش واقعیت‌درمانی گروهی قرار گرفت. گروه‌ها، قبل و بعد از مداخله، از نظر راهبردهای مقابله‌ای و منبع کنترل مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج نشان دهنده آن بود که واقعیت‌درمانی، بر تغییر نمرات منبع کنترل مؤثر است (امیری، شهرباف و کیمیایی، ۱۳۹۱). در یک مطالعه آزمایشی که بر روی دانش‌آموزان پایه دوم راهنمایی شهر دلیجان صورت گرفت، محقق به این نتیجه رسید که بین آموزش مسأله‌محور و رشد خلاقیت دانش‌آموزان، رابطه معناداری وجود دارد (مقامی، ۱۳۸۶). در پژوهشی، از سه روش بارش فکری، سازه فکری و حل مسأله، برای افزایش خلاقیت دانش‌آموزان استفاده شد. نتایج نشان داد که روش سازه فکری، در هر دو جنس پسر و دختر و روش بارش فکری، تنها در جنس پسر، تأثیر مثبت داشته است (بهرامی و رشیدی، ۱۳۷۹). در پژوهشی، به بررسی تأثیر آموزش گروهی مادران بر افزایش خلاقیت کودکان، با تأکید بر نظریه تحلیل رفتار متقابل پرداخته شده است. در این تحقیق، ۴۰ نفر از مادران، به صورت تصادفی به عنوان نمونه آماری انتخاب و پس از اتمام نمونه، ۲۶ نفر باقی مانده به ۲ گروه (یک گروه آزمایش و یک گروه گواه) تقسیم شدند. سپس ۱۰ جلسه آموزش گروهی مادران، با رویکرد تحلیل رفتار متقابل، برای گروه آزمایش برگزار گردید. ابزار پژوهش حاضر به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون، آزمون خلاقیت تورنس بود و از کلیه کودکانی که مادران آنها در تحقیق شرکت داشتند، گرفته شد. نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش گروهی مادران با تأکید بر نظریه تحلیل رفتار متقابل، بر افزایش مؤلفه‌های بسط، انعطاف‌پذیری، سیالی و ابتکار کودکان مؤثر بوده است (درستیان و میرزاخانی، ۱۳۹۱). اجرای روش ایده‌سازی ترکیبی از روش‌های بارش فکری، حل مسأله و سینکتیکس بر روی دانش‌آموزان پایه دوم دوره متوسطه، نشان داد که تأثیر آموزش این شیوه بر خلاقیت دانش‌آموزان، مثبت بوده است (نظری، ۱۳۸۲). بررسی اثر فن بارش فکری بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی، به این نتیجه رسید که این فن بر هر دو جنس دختر و پسر تأثیر مثبت دارد، اما در این پژوهش، تفاوتی بین دو جنس گزارش نشد (گنجی، شریفی و میرهاشمی، ۱۳۸۴). مطالعه بر روی دانش‌آموزان کلاس ششم در مورد تأثیر اجرای فن سینکتیکس (در مورد درس

علم زندگی) بر میزان خلاقیت آنان، حاکی از اثرگذاری مثبت این فن آموزشی در برابر روش‌های سنتی بود (Paltasingh, 2008). پژوهش دیگری، با موضوع پرورش خلاقیت، بر روی دانش آموزان کلاس‌های چهارم و هشتم انجام شد. در این تحقیق از فن اسکمپر استفاده شد و نتایج این پژوهش، مثبت ارزیابی گردید (Westberg, 1996).

عطف به مطالب فوق، باورهای فرد از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت و شکست او هستند. بنابراین، تأثیر باورهای غیر منطقی بر منبع کنترل و خلاقیت در زندگی افراد، قابل تأمل است. لذا محقق در پژوهش حاضر، به بررسی این تأثیر مشاوره گروهی به روش عقلانی-هیجانی بر منبع کنترل و خلاقیت دانشجویان پرداخته است. انتخاب این نظریه از سوی محقق از آن جهت صورت گرفت که در این تحقیق، از طریق مشاوره گروهی به روش عقلانی-هیجانی، دانشجوی شرکت کننده در گروه آزمایش باورهای غیر منطقی و بازدارنده مؤثر بر منبع کنترل و خلاقیت خود را به چالش بطلبد تا بتواند در آینده، با استفاده از خلاقیت و منبع کنترل درونی، فردی مؤثر برای اجتماع باشد. شایان توجه است که چنین تحقیقی تا به حال در ایران صورت نگرفته و تحقیق مشابهی نیز در تحقیقات خارجی یافت نشده است. این تحقیق می‌تواند خلاء موجود در این زمینه را پر نماید و به گسترش علم در این حیطه بپردازد. همچنین با توجه به اهمیت و تأثیری که وجود افراد خلاق و دارای منبع کنترل درونی برای جامعه دارند، از نتایج این تحقیق می‌توان در مراکز مشاوره‌ای، آموزشی و پژوهشی بهره برد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر، تحقیق کمی از نوع نیمه آزمایشی پیش آزمون-پس آزمون می‌باشد. جامعه آماری، دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده شیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال بودند. از بین جامعه آماری، ۳۰ نفر با در نظر گرفتن افت نمونه، به صورت تصادفی به‌عنوان نمونه آماری انتخاب و ۲۰ نفر از آنان حاضر به همکاری در تحقیق حاضر شدند. این افراد، به صورت تصادفی در ۲ گروه ۱۰ نفره آزمایش و گواه جای گرفتند. در این پژوهش،

به‌عنوان پیش‌آزمون از پرسش‌نامه خلاقیت کری<sup>۱</sup> و پرسش‌نامه منبع کنترل راتر<sup>۲</sup> برای ارزیابی منبع کنترل نمونه پژوهش استفاده شد. سپس گروه آزمایش، در ۱۰ جلسه ۱/۵ ساعته مشاوره گروهی به روش عقلانی-هیجانی شرکت کردند. این جلسات در مرکز مشاوره دانشکده شیمی اجرا گردید. در پایان، از کلیه دانشجویانی که در گروه‌های آزمایش و گواه شرکت کرده بودند، پرسش‌نامه خلاقیت کری و پرسش‌نامه منبع کنترل راتر، به‌عنوان پس‌آزمون گرفته شد. نتایج حاصل، در جهت بررسی هدف تحقیق با یکدیگر مقایسه شدند.

ابزار: یکی از ابزارهای اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسش‌نامه خلاقیت کری است. دلیل انتخاب این پرسش‌نامه، کارایی و اعتبار و پایایی مناسب آن در پژوهش بود. این آزمون، مکرراً در پژوهش‌ها و اندازه‌گیری مورد استفاده قرار گرفته است. در نمونه ایرانی، به بررسی ویژگی‌های آزمون، یعنی روایی و پایایی، پرداخته شد. به منظور احراز روایی آزمون، از روایی سازه و تجزیه و تحلیل سؤالات آزمون استفاده گردید. در بررسی روایی سازه آزمون، ضریب همبستگی بین نمرات دانش‌آموزان در پرسش‌نامه خلاقیت سنج کری و آزمون خلاقیت عابدی، محاسبه شد و ضریب ۰/۷۴۸ را نشان داد که ضریب به دست آمده، در سطح  $p = 0/001$  معنادار بود. در تجزیه و تحلیل سؤالات آزمون‌ها، ضرایب تشخیص، دشواری و سطح معناداری سؤالات محاسبه شد و بر اساس ضرایب دشواری حاصل، آرایش جدیدی برای سؤالات پیشنهاد گردید. به علاوه، نتایج نشان داد که ۹۵ درصد سؤالات در سطوح مختلف، معنادار می‌باشند. در بررسی پایایی آزمون، از روش‌های بازآزمایی، تنصیف، کودر-ریچاردسون ۲۰ و ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضریب پایایی حاصل به روش بازآزمایی برای کل آزمون ۰/۸۳، به روش تنصیف ۰/۹۴ و به روش کودر-ریچاردسون و آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. کلیه ضرایب حاصل، مثبت و با  $p < 0/001$  معنادار نشان دادند (ابوالفتحی، ۱۳۸۴).

1. Cree  
2. Rotter

ابزار اندازه‌گیری دیگر در این پژوهش، پرسش‌نامه منبع کنترل راتر است. این پرسش‌نامه، یک پرسش‌نامه خودسنجی است که شامل ۲۹ گویه، هر گویه دارای دو جمله به صورت الف و ب، می‌باشد. آزمودنی باید از بین دو جمله یکی را انتخاب نماید؛ که یکی عقیده بیرونی و دیگری عقیده درونی است. از ۲۹ گویه این پرسش‌نامه، ۶ گویه به صورت خنثی هستند و منظور از آزمون را برای آزمودنی پوشیده نگه می‌دارند. تعداد علامت‌ها یا ضربدرهایی که در ۲۳ ماده کلیدی این مقیاس در مقابل گزینه‌های مربوط به کنترل درونی مشخص شده است، شمارش می‌شود. کل نمره هر فرد، نشان دهنده میزان کنترل درونی است و نمره کنترل بیرونی، حاصل تفریق نمره کنترل درونی از ۲۳ (تعداد مواد اصلی و کلیدی) می‌باشد (وطن پرست اقدمی، ۱۳۸۰). اولین کوشش برای سنجش تفاوت‌های فردی، در اعتقاد به منبع کنترل بیرونی به عنوان یک متغیر رفتاری، توسط فاریس<sup>۱</sup> (1991)، در مطالعه‌ای با عنوان اثرات شانس و مهارت در تحقق امور شروع شد. فاریس، مقیاس لیکرت را با ۱۳ ماده مربوط به منابع کنترل بیرونی و ۱۳ ماده در مقابل آن به عنوان کنترل درونی قرار داد. میزان فوق، در مطالعات اولیه برای سنجش دو بعد کنترل تهیه شد و شواهد قابل قبولی به دست آمد. کار فاریس، توسط جیمز<sup>۲</sup> (1959) دنبال شد. وی نسخه لیکرت را با ۶ سؤال به اضافه سؤالات خنثی، بر اساس سؤالاتی که در مطالعه فاریس بیشترین موفقیت را داشتند، قرار داد. جیمز موفق شد همبستگی ضعیف ولی معنادار، بین آزمون خود و موفقیت رفتار در شرایط شانس و مهارت، پیدا کند (بیابانگرد، ۱۳۷۰). فرانکلین<sup>۳</sup> (1996) بر روی نمرات ۱۰۰۰ نفر دانش آموز دبیرستانی تحلیل عاملی انجام داد و دریافت که همه سؤالات، همبستگی معناداری با عامل کلی شخص دارد و این عامل شخصی را حدود ۵۳ درصد از کل واریانس به دست آورد (شیخی فینی، ۱۳۷۲). متوسط ضرایب پایایی مقیاس منبع کنترل درونی-بیرونی راتر که با روش‌های تنصیف و

1. Farris  
2. James  
3. Franklin

کودر- ریچاردسون محاسبه شده، در بسیاری از پژوهش‌ها بیشتر از ۰/۷۰ بوده است (بیابانگرد، ۱۳۷۰).

در نمونه ایرانی، مقدار ضریب پایایی آزمون منبع کنترل درونی- بیرونی با روش بازآزمایی ۰/۶۲ به دست آمده است. روایی آزمون، با توجه به استاندارد بودن پرسش‌نامه راتر، مورد تأیید می‌باشد (رشیدی و شهرآرای، ۱۳۸۷).

### یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، به منظور آزمون معناداری تفاوت‌های مشاهده شده، از روش تحلیل واریانس آمیخته استفاده شد. داده‌های جدول ۱، مؤلفه‌های توصیفی متغیرهای خلاقیت و منبع کنترل را در دو گروه و به تفکیک پیش آزمون و پس آزمون نشان می‌دهد.

**جدول ۱.** شاخص‌های توصیفی نمرات خلاقیت و منبع کنترل در پیش آزمون و پس آزمون به تفکیک گروه‌ها

متغیر	خلاقیت		منبع کنترل	
	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون
میانگین گروه گواه	۵۶/۳۴	۵۵/۷۰	۷/۸۰	۸/۶۰
انحراف استاندارد گروه گواه	۷/۶۴	۷/۵۸	۲/۴۶	۳/۱۳
میانگین گروه آزمایش	۶۷/۷۸	۷۶/۸۶	۹/۳۰	۸/۷۰
انحراف استاندارد گروه آزمایش	۸/۲۶	۹/۳۷	۱/۵۳	۱/۴۲

نتایج مندرج در جدول ۱، بیانگر تغییر نمرات منبع کنترل و خلاقیت برای آزمودنی‌های گروه آزمایش در مرحله پس آزمون نسبت به مرحله پیش آزمون است. نتایج آزمون‌های اثر درون آزمودنی‌ها در منبع کنترل و راهبردهای مقابله‌ای، در جدول ۲ ارائه شده است.

**جدول ۲.** نتایج آزمون‌های اثر درون آزمودنی‌ها در منبع کنترل و خلاقیت

عناصر خلاقیت	سطح معنی داری	F	اندازه اثر
منبع کنترل	۰/۰۰۱	۳۷/۳۶	۰/۶۶
خلاقیت	۰/۰۰۱	۹/۴۷	۰/۶۳

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲، اثر زمان در مورد متغیر منبع کنترل  $F=37/36$  و  $p<0/05$  و خلاقیت  $F=9/47$  و  $p<0/05$  معنادار است؛ به عبارت دیگر، از جلسه پیش آزمون تا جلسه پس آزمون، نمرات منبع کنترل و خلاقیت، تغییرات معناداری داشته است. در جدول ۳، نتایج آزمون اثر بین آزمودنی‌های مربوط به منبع کنترل و خلاقیت ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون‌های اثر بین آزمودنی‌ها مربوط به خلاقیت و منبع کنترل

متغیر	سطح معناداری	F	اندازه اثر
منبع کنترل	۰/۰۷	۰/۶۸	۰/۳۱
خلاقیت	۰/۰۸	۰/۷۶	۰/۰۲۷

نتایج آزمون اثر بین آزمودنی‌ها نشان می‌دهد که اثر بین گروهی در میزان منبع کنترل  $F=0/68$  و  $p<0/05$  و خلاقیت  $F=0/76$  و  $p<0/05$  معنادار است. به عبارتی، بین دو گروه آزمایش و گواه، در نمرات منبع کنترل و خلاقیت، تفاوت معنادار وجود ندارد.

## بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، بررسی اثربخشی مشاوره گروهی به روش عقلانی-هیجانی بر منبع کنترل و خلاقیت دانشجویان بود. نتایج این پژوهش نشان داد که مشاوره گروهی به روش عقلانی-هیجانی، موجب درونی‌تر شدن منبع کنترل و افزایش خلاقیت دانشجویان شده است. نتیجه این تحقیق، مکمل تحقیقاتی است که در زمینه افزایش خلاقیت و کاهش منبع کنترل صورت گرفته‌اند. این یافته‌ها با نتایج حاصل از مطالعات گوهری (۱۳۷۵)، بهرامی و رشیدی (۱۳۷۹)، طالب پور (۱۳۸۰)، عظیمی (۱۳۸۲)، نظری (۱۳۸۲)، گنجی و همکاران (۱۳۸۴)، کرمی نیا و همکاران (۱۳۸۴)، مقامی (۱۳۸۶)، سهرابی و جهانبخش (۱۳۸۸)، صفاری نیا و همکاران (۱۳۹۱)، امیری و همکاران (۱۳۹۱)، وستبرگ (1996)، استنک و تیلور (2004)، درکس و همکاران (2005)، اسکیر و کراس (2006)، پالتاسینگ (2008)، پنلز و کلکستون (2008)، راسل (2009) و ونگ و همکاران (2010) هم‌خوان است. کارایی و اثربخشی مشاوره

به روش عقلانی-هیجانی، بر مشاوران و روان‌شناسان بالینی پوشیده نیست. به هر حال، مشاوره گروهی به این روش با دانشجویان را می‌توان به‌عنوان یکی از مداخله‌هایی ملاحظه نمود که در این جلسه‌ها، افراد به توانایی‌هایی مجهز می‌شوند تا در برخورد با مسائل روزمره در جامعه و شرایط کنونی از آن‌ها استفاده کنند. به عبارت دیگر، مشاوره گروهی شامل فرایند بین فردی و راهبردهای حل مسئله است که بر تفکرات، احساس‌ها و رفتارهای خودآگاه تأکید دارد. وظیفه مشاوران و درمانگران گروهی فعالیت‌های ساختار یافته برای آسان‌سازی مولد بودن گروه، آسان‌سازی تعاملات بین اعضا و فراهم آوردن اطلاعات درباره روش‌های جایگزین که فرد بتواند با وجود مسائل موجود، در مسیر موفقیت گام بردارد، می‌باشد. مفهوم کنترل درونی در رویکرد عقلانی-هیجانی این است که آدم‌ها افکار و احساسات یا رفتارهای مجزا و خالص ندارند و شناخت آنها تأثیر چشمگیری بر احساس و رفتارشان دارد. افکار غیرمنطقی تمایلاتی هستند که فرد را از پیشرفت در اهدافش باز می‌دارد. همچنین بر اساس رویکرد عقلانی-هیجانی، افرادی که خلاقیت پایینی دارند، باورهای غیرمنطقی درباره خلاق نبودن را به خود تلقین می‌کنند. دانشجویان با شرکت در جلسات مشاوره گروهی به روش عقلانی-هیجانی، باورهای غیرمنطقی خود را در مواردی که مانع از بروز خلاقیت و کنترل درونی آنها می‌شوند، شناسایی می‌کنند و به تغییر این باورها از طریق به چالش طلبیدن آنها می‌پردازند.

باورهای غیرمنطقی، افراد را از بروز ایده‌های خلاقانه و اقدام در جهت عملی ساختن این ایده‌ها باز می‌دارند. همچنین باورهای غیرمنطقی باعث می‌شوند افراد، تنها تحت تأثیر منابع کنترل بیرونی باشند و مانع پیشرفت آنها می‌گردند. پس از به چالش کشیدن باورهای غیرمنطقی در مشاوره گروهی به روش عقلانی-هیجانی، جایگزین کردن باورهای منطقی سبب می‌شود شرکت کنندگان به منبع کنترل درونی دست یابند و بتوانند خلاقیت خود را ابراز کنند. در مرحله بعدی از مشاوره گروهی به روش عقلانی-هیجانی اثربخش، به دانشجوی آموزش داده شود تا تفکرات و رفتارهای مشکل‌زای خود را کنار بگذارد و به جای آن، روش‌های اثر بخش را جایگزین سازد.



لازم به ذکر است که به علت محدودیت همکاری کلیه واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، محقق، از نمونه‌گیری در دسترس استفاده نمود. با توجه به این که نمونه انتخاب شده در این پژوهش ۲۰ نفر بوده است، به علت کمی تعداد، تعمیم نتایج به کل دانشجویان شهر تهران خالی از اشکال نیست. در راستای پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود محققان بعدی تأثیر مشاوره گروهی به روش عقلانی-هیجانی را بر افزایش خلاقیت نوجوانان بررسی نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود از مشاوره گروهی به روش عقلانی-هیجانی در مراکز مشاوره دانشگاه‌ها برای افزایش خلاقیت و درونی کردن منبع کنترل دانشجویان استفاده شود.

### منابع

- ابوالفتحی، غلامرضا (۱۳۸۴). *هنجاریابی آزمون خلاقیت سنج (CPEE) بر روی دانش آموزان دوره متوسطه استان لرستان*. لرستان: سازمان آموزش و پرورش استان لرستان.
- امیری، مرضیه؛ شعریاف، حمیدرضا؛ کیمیایی، علی (۱۳۹۱). اثر بخشی رویکرد واقعیت درمانی گروهی بر منبع کنترل و راهبردهای مقابله‌ای. *اندیشه و رفتار*، ۴ (۶)، ۵۹-۶۸.
- بوستان، افسانه (۱۳۸۲). بررسی رابطه منبع کنترل و خلاقیت در دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهرا.
- بهرامی، فاطمه؛ رشیدی، رضوان (۱۳۷۹). *بررسی مقایسه‌ای روش‌های پرورش خلاقیت در دانش آموزان دوره ابتدایی شهر اصفهان*. اصفهان: واحد تحقیقات، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۰). *بررسی رابطه بین مفاهیم منبع کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی پسران سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- پروچسکا، جیمز؛ نورکراس، جان سی (۲۰۰۷). *نظریه‌های روان درمانی*. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۹). تهران: انتشارات روان

- حسینی، افضل السادات (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن. مشهد: انتشارات آستان قدس.
- دافی، برنادت (۲۰۰۶). تشویق خلاقیت و تخیل در کودکان، ترجمه مهشید یاسائی (۱۳۸۰). تهران: انتشارات ققنوس.
- درستیان، الهام؛ میرزاخانی، پرویز (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش گروهی مادران بر افزایش خلاقیت کودکان با تاکید بر روش تحلیل رفتار متقابل. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۲۱(۲)، ۸۵-۱۰۶.
- رشیدی، اسماعیل (۱۳۸۵). رابطه خلاقیت و نگرش به خلاقیت خود با منبع کنترل در دانش آموزان سال اول دبیرستان شهر اراک. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.
- رشیدی، اسماعیل؛ شهر آرای، مهرناز (۱۳۸۷). بررسی رابطه خلاقیت با منبع کنترل. اندیشه های تازه در علوم تربیتی، ۳(۳)، ۸۳-۹۹.
- زارب، ژانت (۲۰۰۷). ارزیابی و شناخت رفتار درمانی نوجوانان. ترجمه محمد خدایاری فرد و یاسمن عابدینی (۱۳۸۶). تهران: انتشارات رشد.
- سهرابی، فرامرز؛ جهانبخش، عبدالرحمن (۱۳۸۸). اثربخشی تقویت مهارت های مثبت اندیشی به شیوه گروهی بر منبع کنترل دانش آموزان دبیرستانی شهر گرگان. مجله روان شناسی بالینی و شخصیت دانشگاه شاهد، ۳۷(۱)، ۶۸-۵۹.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۶). روان شناسی پرورشی. تهران: انتشارات آگاه.
- شارف، ریچارد اس (۲۰۰۱). نظریه های روان درمانی و مشاوره. ترجمه مهرداد فیروز بخت (۱۳۸۱). تهران: انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- شفیع آبادی، عبدالله؛ ناصری، غلامرضا (۱۳۸۰). نظریه های مشاوره و روان درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شیخی فینی، علی اکبر (۱۳۷۲). بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر بندرعباس. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس.

صفاری‌نیا، مجید؛ زارع، حسین؛ حسینی، لقمان (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش تفکر انتقادی بر منبع کنترل و کاهش ناهماهنگی (برانگیختگی) شناختی دانش آموزان پسر سال دوم دبیرستان‌های شهرستان بانه، *مجله شناخت اجتماعی*، ۱(۱)، ۷۴-۶۴.

طالب پور، اکبر (۱۳۸۰). بررسی تأثیر آموزش شناختی بر منبع کنترل، انگیزش پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شاهد مقطع متوسطه در شاهین شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه اصفهان.

عظیمی، پروین (۱۳۸۲). فهرست جامع ویژگی‌های افراد خلاق. *مجله خلاقیت و نوآوری*، ۱(۴)، ۵۹-۷۳.

کرمی‌نیا، رضا؛ سلیمی، حسین؛ امیری، ماندانا (۱۳۸۴). بررسی تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد منطقی-عاطفی بر منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی دانشجویان. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۶(۱)، ۶۸-۶۱.

گنجی، حمزه؛ شریفی، حسن پاشا؛ میرهاشمی، مالک (۱۳۸۴). اثر روش بارش مغزی در افزایش خلاقیت دانش‌آموزان. *فصل‌نامه تعلیم و تربیت*، ۲۱، ۱۱۲-۸۹.

گوهری، مسلم (۱۳۸۷). بررسی رابطه خودپنداره و منبع کنترل با خلاقیت در دانش‌آموزان پسر دوره تحصیلی راهنمایی مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.

مقامی، حمیدرضا (۱۳۸۶). تأثیر روش آموزش مسأله محور بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان پایه دوم راهنمایی شهر دلجان. *روانشناسی و علوم تربیتی*، ۹(۳)، ۱۶۵-۱۸۳.

مهری نژاد، سید ابوالقاسم (۱۳۷۹). بررسی و مقایسه اثر بخشی روان‌درمانی شناختی رفتاری و ترکیبی در دو سطح هوش کودکان مبتلا به فزون‌کنشی همراه با کمبود توجه. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشگاه تربیت مدرس.

نظری، عباس (۱۳۸۲). بررسی تأثیر روش ایده‌سازی در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه دبیرستان‌های ناحیه ۲ اراک. واحد تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی.

وطن پرست اقدمی، علی (۱۳۸۰). بررسی رابطه مؤلفه‌های یادگیری خود نظم داده شده با منبع کنترل در دانش آموزان سوم دبیرستان‌های شهرستان ارومیه. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تبریز: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تبریز.

همتی، امیر (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی موانع شخصی خلاقیت از دیدگاه دبیران مرد و زن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه ارومیه.

- Amabile, T. (1987). Creativity and leaning. Oxford: Pergamon press.
- Clark, D. & Beck, A.T. (2010). Cognitive Therapy of Anxiety Disorders, Science and Practice . New York : The Guilford Press.
- Derks, W., Leeuw, J R. , Hordijk, G.J. & Winnubst, J A. (2005). Differences in Coping Style and Locus of Control Between, Clinical Otolaryngology, 30(2), 186- 192.
- Guliford .J.P. (1954). Creativity in American. New York: McGraw Hill.
- Naude, T. (2007). The relationship between personality and creativity. MA dissertation, Department of Psychology, University of Pretoria.
- Nokar, A. R. (2008). Individual and organizational factors affecting creativity presidential institution employees. M.A. Unpublished Thesis, Tehran University.
- Paltasingh, S. (2008). Impact of synectics model of teaching in life scinc to develop creativity among pupils. *Journal of India Association for Education Research*, 20, 374-389.
- Pannells, T.C. & Claxton, A.F. (2008). Happiness, Creative Ideation, and Locus of Control. *Creativity Research Journal*. 20(1), 67-71.
- Renzulli, J.S. (1986). New direction in creativity. Mansfield Center. CT: creative learning press.
- Runco, M. A. (2007). Creativity, Theories and Themes. California: Norwegian School of Economics.
- Russell , C. M. & Phelps, C.L. (2009). The Effect of Mastery-Focused Goal Setting to Internalize Locus of Control and Increase Academic Achievement. Phi Delta Kappa International Summit on Quality Education Recruitment and Retention, 1-13.
- Schepers, J.M. & Crous, F.(2006). Locus of Control in Relation to Flow, *SA Journal of Industrial Psychology*. 32(3), 63-71.
- Sookman, D. & Leahy, R. (2010). Treatment Resistant. Anxiety Disorder. UK: Routledge Press.
- Stanke, A. & Taylor, M. (2004). Religiosity, Locus of Control, and Superstitious Belief. *Journal of Undergraduate Research*, 7(1), 1-5.
- Stewart, J. E. (2008). Locus of Control and Self-Attribution as Mediators of Hazardous Attitudes among Aviators: A Review and Suggested Applications. *International Journal of Applied Aviation Studies*, 8(2), 263-280.

- Torrance, E. P. & Goff, K. (1989). A Quiet Revolution. *Creative Behavior*, 23, 136-145.
- Wang , Q. & Bowling, [N.A.](#) & Eschleman, [K.J.](#) (2010). A Meta-Analytic Examination of Work and General Locus of Control. [Journal of Applied Psychology](#), 94(4), 761-768.
- Westberg, K. L. (1996). The effects of teaching students how to invent. *Journal of Creative Behavior*, 30(4), 249-267.
- Wilkena, C.S. & Walkera, K. & Sandberga, J.G. & Holcomb, C.A. (2002). A Qualitative Analysis of Factors Related to Late Life Independence as Related by the Old-Old and Viewed Through the Concept of Locus of Control. *Journal of Aging Studies*, 16(1), 73-86.

